به نام خداوند جان و خرد

# استعاره و شناخت

# نویسنده: آزیتا افراشی

### فهرست مطالب

[پیش‌گفتار ‌ط](#_Toc504485670)

[فصل اول: پیش‌زمینه 1](#_Toc504485671)

[1-1 مقدمه 1](#_Toc504485673)

[1-2 نظریة عصب‌شناختی زبان و استعارة مفهومی 2](#_Toc504485674)

[1-3 مفروضات اصلیِ نظریة استعاره 4](#_Toc504485675)

[1-4 جمع‌بندی مطالب 5](#_Toc504485676)

[فصل دوم**: استعارۀ مفهومی چیست؟** 7](#_Toc504485677)

[2-1 مقدمه 7](#_Toc504485679)

[2-2 نگاشت 11](#_Toc504485680)

[2-3 حوزة مبدأ و حوزة مقصد 14](#_Toc504485681)

[2-3-1 استعاره‌های دانش‌بنیاد و طرح‌واره‌بنیاد 16](#_Toc504485682)

[2-4 انواع استعاره‌های مفهومی 19](#_Toc504485683)

[2-4-1 استعاره‌های جهتی 19](#_Toc504485684)

[2-4-2 استعاره‌های ساختی 22](#_Toc504485685)

[2-4-3 استعاره‌های هستی‌شناختی 23](#_Toc504485686)

[2-4-4 استعاره‌های تصویری 24](#_Toc504485687)

[2-4-5 کلان‌استعاره‌ها 25](#_Toc504485688)

[2-5 جمع‌بندی مطالب 26](#_Toc504485689)

[فصل سوم**: استعاره و حس‌آمیزی** 29](#_Toc504485690)

[3-1 مقدمه 29](#_Toc504485692)

[3-2 نگاشت در استعاره‌های حس‌آمیخته 31](#_Toc504485693)

[3-3 انتقال حواس 33](#_Toc504485694)

[3-3-1 سلسله مراتب انتقال حواس 34](#_Toc504485695)

[3-3-3 سلسله مراتب استعاره‌های حس‌آمیخته 36](#_Toc504485696)

[3-4 جمع‌بندی مطالب 37](#_Toc504485697)

[فصل چهارم**: استعاره‌های عواطف** 39](#_Toc504485698)

[4-1 مقدمه 39](#_Toc504485700)

[4-2 شناخت، عواطف و استعاره 40](#_Toc504485701)

[۴-3 طبقه‌بندی عواطف 41](#_Toc504485702)

[4-4 رویکردهای مختلف به معنای عواطف 43](#_Toc504485703)

[4-5 ساختار استعاره‌های عواطف 45](#_Toc504485704)

[4-6 استعاره‌های عواطف و اندام‌واژه‌ها 47](#_Toc504485705)

[4-6 ماتسوکی (1995): استعاره‌های خشم در ژاپنی 48](#_Toc504485706)

[4-7 استعاره‌های درد 51](#_Toc504485707)

[4-8 جمع‌بندی مطالب 54](#_Toc504485708)

[فصل پنجم: استعاره و فعل‌های حسی 57](#_Toc504485709)

[5-1 مقدمه 57](#_Toc504485711)

[5-2 فعل‌های حسی به‌مثابۀ مفاهیم حوزۀ مبدأ در استعاره‌های مفهومی 58](#_Toc504485712)

[5-3 فعل‌های حسی و اندام‌واژه‌های مرتبط در استعاره‌های مفهومی 62](#_Toc504485713)

[5-4 بسط استعاری افعال حسی و حوزه‌های مقصد 64](#_Toc504485714)

[5-5 جمع‌بندی مطالب 66](#_Toc504485715)

[فصل ششم**: استعاره و مفهوم زمان** 69](#_Toc504485716)

[6-1 مقدمه 69](#_Toc504485718)

[6-2 رابطۀ مقولات و زمان 70](#_Toc504485719)

[6-3 مفهوم زمان 72](#_Toc504485720)

[6-4 زمان به‌مثابۀ مکان و شیء 73](#_Toc504485721)

[6-5 زمان و حرکت 76](#_Toc504485722)

[6-5-1 زمان و تقابل سکون و حرکت 78](#_Toc504485723)

[6-6 جمع‌بندی مطالب 79](#_Toc504485724)

[فصل هفتم**: استعاره و پیکره** 81](#_Toc504485725)

[7-1 مقدمه 81](#_Toc504485727)

[7-2 پیکره‌های زبانی 82](#_Toc504485728)

[7-3 جستجوی عبارت‌های استعاری در پیکره 84](#_Toc504485729)

[7-4 انتخاب واژه‌ها در نگارش نگاشت‌ها 87](#_Toc504485730)

[7-5 کارایی‌های مطالعة استعاره‌های مفهومی به روش پیکره‌ای 90](#_Toc504485731)

[7-6 جمع‌بندی مطالب 92](#_Toc504485732)

[فصل هشتم**: استعاره و مجاز** 95](#_Toc504485733)

[8-1 مقدمه 95](#_Toc504485735)

[8-2 مجاز چیست؟ 98](#_Toc504485736)

[8-3 تحلیل نمونه‌های مجاز 100](#_Toc504485737)

[8-4 تفاوت استعاره و مجاز 104](#_Toc504485738)

[8-5 ماهیت مجاز مفهومی 104](#_Toc504485739)

[8-6 نقش مجاز 107](#_Toc504485740)

[8-7 جمع‌بندی مطالب 108](#_Toc504485741)

[فصل نهم**: استعاره و فرهنگ** 111](#_Toc504485742)

[9-1 مقدمه 111](#_Toc504485744)

[9-2 همگانی بودن استعاره‌ها 112](#_Toc504485745)

[9-3 انگیزش همگانی در استعاره‌های مفهومی 114](#_Toc504485746)

[9ـ4 استعاره‌های اولیه و استعاره‌های فرهنگ‌بنیاد 118](#_Toc504485747)

[9-5 جمع‌بندی مطالب 119](#_Toc504485748)

[واژه‌نامه 121](#_Toc504485749)

[کتابنامه 131](#_Toc504485750)

## پیش‌گفتار

استعارة مفهومی بی‌تردید تنها موضوع و الزاماً مهم‌ترین موضوع پژوهش در زبان‌شناسیِ شناختی نیست، ولی شاید بتوان گفت به سبب سامان‌یافتگیِ چارچوب تحلیل، مشهورترین موضوعی است که عموماً زبان‌شناسی شناختی را با آن می‌شناسند. امروزه در دنیا پژوهش دربارة استعاره‌های مفهومی به یک تخصص تبدیل شده‌است و زبان‌شناسانی را می‌توان برشمرد که عمدة آثارشان به پژوهش در حوزة استعاره‌های مفهومی اختصاص دارد.

استعارة مفهومی یک پدیدة چندبُعدی است که موجب شده پژوهشگرانی با تخصص‌های گوناگون به آن بپردازند. استعارة مفهومی در زبان خودکار، ادبیات، رشد و فراگیری زبان کودک، عصب‌شناسی، نشانه‌شناسی، دین‌پژوهی، مطالعات ترجمه، مطالعة فرهنگ‌، رسانه و حوزه‌های دیگر، موضوعِ پژوهش به‌شمار می‌آید. گاهی نیز استعاره‌های مفهومی، خود موضوع پژوهش نیستند ولی به‌مثابة ابزار، در حوزه‌های دیگری چون سبک‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و واژگان‌نگاری به‌کار گرفته می‌شوند.

پژوهش بر استعاره‌های مفهومی در زبان‌شناسی، فنون و شیوه‌های تحلیل روشنی دارد؛ هرچند انجام تحلیل‌های دستی بر پیکره‌های وسیع و تبیین نتایج تحلیل استعاره‌ها دشواری‌هایی به همراه دارد.

زمانی که تصمیم گرفتم کتاب حاضر را دربارة جنبه‌های مختلف پژوهش بر استعاره‌های مفهومی به نگارش درآورم، سال‌ها بود که این موضوع را در کلاس‌های کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی تدریس می‌کردم و دربارة آن مقالات متعددی نوشته و منتشر و چندین کارگاه و سخنرانی دربارة این موضوع برپا کرده ‌بودم. به پشتوانة این فعالیت‌ها و نیز نگارش کتابی پیش از آن به نام *مبانی معناشناسی شناختی* (1395)، کتاب حاضر در 9 فصل به قرار زیر نوشته شد: فصل1: پیش‌زمینه، که به اجمال به مبانی عصب‌شناختی استعاره‌های مفهومی می‌پردازد؛ فصل2: استعارة مفهومی چیست؟، ساخت استعاره و انواعِ آن را توضیح می‌دهد. فصل 3: استعاره و حس‌آمیزی؛ که نخستین بار به زبان فارسی در همین کتاب به آن پرداخته شده است. فصل4: استعاره‌های عواطف؛ که به پشتوانة پژوهش‌های پیکره‌ایِ صورت‌گرفته در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به هدایت اینجانب و همکاری دانشجویان محترم رشتة زبان‌شناسی و استاد ارجمند جناب آقای دکتر مصطفی عاصی تکوین یافته است. فصل5: استعاره و فعل‌های حسی؛ که رابطه‌ای است بین دو حوزة مطالعه یعنی فعل‌های حسی و مطالعات استعاره که در آثار غیرایرانی و ایرانی پیشینه‌ای ندارد و نخستین بار در این کتاب در قالب فصلی مجزا به آن پرداخته شده است. فصل6: استعاره و مفهوم زمان؛ که پیش‌تر از سوی نگارنده در قالب سخنرانی وکارگاه به آن پرداخته شده است. فصل 7: استعاره و پیکره؛ که در نتیجة پژوهش‌های پیکره‌ای نگارنده و دانشجویان بر پیکرة پایگاه دادگان زبان فارسی (PLDB) شکل‌ گرفته ‌است. فصل 8: استعاره و مجاز؛ که در صدد است زمینه‌ای برای پیشنهاد نظریة مجاز مفهومی ارائه دهد. فصل 9: استعاره و فرهنگ؛ که به منظور معرفی استعاره‌های اولیه و فرهنگ‌بنیاد نگارش یافته است.

لازم می‌دانم پیش از ورود به بحث اصلی، گزارشی از آثار ایرانی موجود دربارة استعاره‌های مفهومی ارائه دهم؛ زیرا معتقدم شکل‌گرفتن هر اندیشه و اثری متأثر از بافتی است که در آن به‌وجود می‌آید. دربارة استعاره‌های مفهومی کتاب‌هایی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است که عبارتند از: مجموعة مقالاتی به کوشش ساسانی (1383)؛ بارسلونا[[1]](#footnote-1) (1390)؛ گیرارتز[[2]](#footnote-2) (1393)؛ لیکاف[[3]](#footnote-3) و جانسون[[4]](#footnote-4) (1394)؛ کووچش[[5]](#footnote-5) (1393) و پانتر[[6]](#footnote-6) (1394).

کتاب‌های تألیفی دربارة استعاره‌های مفهومی به زبان فارسی عبارتند از: قائمی‌نیا (1390)، داوری اردکانی (1391) و نیلی­پور (1394) که به‌سبب ارائة مصاحبه‌هایی با لیکاف دربارة استعاره‌های مفهومی در این ارتباط اهمیت بسیار دارد و هاشمی (1394) که استعاره‌های مفهومی را برای تحلیل ادبیات به‌کار گرفته است.

در طبقة دیگر، پایان‌نامه‌هایی قابل‌ذکر است که مشخصاً با موضوع استعاره‌های مفهومی به نگارش درآمده‌اند: کریمی (1391)، طالبی (1391) و موسوی‌نسب (1392) در زمرة آثاری قرار دارند که به حوزة استعاره‌های عواطف و درد با رویکرد معناشناسی شناختی می‌پردازند. جولایی (1391)، و صامت (1392) از مهم‌ترین آثاری‌اند که به روش پیکره‌ای به تحلیل استعاره‌های مفهومی پرداخته‌اند. زورورز (1392) و تباری (1394) برای اولین بار به روش پیکره‌ای و با رویکرد شناختی به تحلیل استعاره‌های مفهومی در حوزة عواطف پرداخته‌اند. پس از آن‌ها باید به پایان‌نامه‌های قوچانی (1395) و جاوید (1395) به ترتیب در حوزه‌های عاطفی ترس و غم در زبان فارسی اشاره‌ کرد.

در زمرة مقاله‌هایی که بسترِ شکل‌ گرفتنِ این کتاب را فراهم آورده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افراشی، حسامی، سالاس (1391)؛ افراشی، حسامی (1392) و افراشی، صامت (1391) که به روش پیکره‌ای به تحلیل استعاره‌های مفهومی پرداخته‌اند. افراشی، مقیمی‌زاده (1393) و زورورز، افراشی، عاصی (1392) به استعاره‌های مفهومی عواطف به روش پیکره‌ای پرداخته‌اند. افراشی، یگانه (1395) طبقه‌ای خاص از استعاره‌های مفهومی در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. افراشی (1394) نیز به بازنمود استعاری مفهوم زمان پرداخته است.

نگارش این کتاب مدیون جلسات پرشور کلاس‌های درس زبان‌شناسیِ شناختی، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. اندیشه‌های خلاقانه و پرسش‌های بی‌نظیر دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا هر لحظه موجب می‌شد اندیشه‌ها بر برگ‌های این کتاب نقش ببندند. همکاری و همفکری لحظه به لحظة خانم فاطمه تباری در نگارش این کتاب بسیار مؤثر بود. هم‌چنین مدیون لطف خانم‌ طاهره همتی هستم که با رویی گشاده در آماده‌سازی نسخه نهایی کتاب به من کمک کردند. از خانم سعیده قندی به سبب مساعدت در یافتن داده‌های پیکره‌ای و دستیابی به منابع متشکرم. از آقای کامیار جولایی و خانم صبا عنایتی که با بازخوانی کتاب به برطرف شدن برخی ابهامات کمک کردند بسیار متشکرم. از خانوادة مهربانم به‌سببِ انگیزه‌ای که به من می‌بخشند و احترامی که برای پژوهش قائل‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. از همکار ارجمند جناب آقای زعفرانچی مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌خاطر حمایت از این اثر متشکرم. این مختصر را به دانشجویانی که به پژوهش بر استعاره‌های مفهومی علاقمندند تقدیم می‌کنم.

آزیتا افراشی

مهرماه 1395

دانشیار زبان‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## فصل اول

# پیش‌زمینه

### 1-1 مقدمه

از دهة 1980 میلادی به بعد، پژوهش دربارة استعاره‌‌های مفهومی به یک حوزة مطالعة کانونی در زبان‌شناسی شناختی تبدیل شده است. چگونگی اهمیت یافتن حوزة مطالعة استعارة مفهومی می‌تواند گزینه‌ای برای آغاز این نوشته باشد. گیرارتز و کویکنز[[7]](#footnote-7) (2007 : 6) معتقدند زبان‌شناسی شناختی به دانشی که به وسیلة زبان بازنمود می‌یابد توجه دارد. استعاره‌های مفهومی حوزة مناسبی برای بررسی بازنمود فرایندهای ذهنی در زبا‌‌‌ن‌اند و به همین سبب از این جایگاه مهم در زبان‌شناسی قرن بیست‌و‌یکم برخوردار شده‌اند.

کشف شبکة نورون‌های آیینه‌ای[[8]](#footnote-8) یکی از وقایع علمی مهمی بود که چون شواهد تجربی قابل‌ِاستنادی برای مطالعة استعاره‌های مفهومی به دست می‌داد، موجب شد تا این نظریه در کانون توجه قرار گیرد. لیکاف (2009) می‌گوید انقلاب عصب‌شناختی در علم شناخت، دریافت متخصصان را از مغز و ذهن متحول کرده است. در این رویداد علمی مهم، نظریة استعارة مفهومی نیز جایگاه کانونی داشته است. نزدیک چهار دهه از انتشار کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم[[9]](#footnote-9)* می‌گذرد. اگرچه اصول نظریة استعاره بی‌خدشه باقی مانده است، ولی کشفیات علمی جدید دریافت متخصصان را از ماهیت استعاره‌های مفهومی و نقش آن‌ها بسیار عمیق‌تر کرده است. لیکاف (2009 : 1) این پرسش را مطرح می‌کند که اساساً در پژوهش دربارة استعاره چرا باید به یافته‌های عصب‌شناختی توجه داشته باشیم. به اعتقاد وی آنچه دربارة مغز کشف شده است می‌تواند ویژگی‌های استعاره را توضیح دهد. مهم‌ترین پرسش‌ها درباره استعاره به قرار زیر هستند:

استعاره‌های مفهومی چه نقشی دارند؟

چرا ما استعاری فکر می‌کنیم؟

چرا استعاره‌ها درقالب نگاشت‌های بین حوزه‌ای شکل می‌گیرند؟

رابطه بین استعاره‌ها و تجربه‌های عینی ما چگونه است؟

چرا برخی از استعاره‌های مفهومی همگانی‌اند؟

استعاره‌های پیچیدة شعری چه رابطه‌ای با استعاره‌های زبان خودکار دارند؟

### 1-2 نظریة عصب‌شناختی زبان و استعارة مفهومی

به اعتقاد لیکاف (2009 : 13)، نظریة عصب‌شناختی استعاره می‌تواند به پرسش‌های فوق پاسخ دهد. فلدمن[[10]](#footnote-10) (2006) نظریة عصب‌شناختی زبان[[11]](#footnote-11) را ارائه داد. این نظریه بر مبنای دو موضوع مهم بنا شده است: الف) بدن‌مندی و معناشناسی شبیه‌ساختی[[12]](#footnote-12)، ب) نورون‌های آیینه‌ای.

در نظریة عصب‌شناختی زبان، ارتباط بین بدن و مغز حائز اهمیت است. وقتی برخی اعمال حرکتی را تصور می‌کنیم، به‌یاد می‌آوریم یا در رویا می‌بینیم عمدتاً همان نورون‌هایی درگیر می‌شوند که هنگام حرکت واقعی دخالت دارند. همچنین وقتی دیدن یا شنیدنِ چیزی را تصور می‌کنیم، به‌یاد می‌آوریم یا در رویا می‌بینیم، همان نورون‌هایی دخالت دارند که هنگام دیدن یا شنیدنِ چیزی در واقعیت درگیر هستند.

کشف سیستم نورون‌های آیینه‌ای نتایج متعددی به همراه داشت؛ از جمله این‌که به ارائة نظریة یک‌پارچگی زبان انجامید. به بیان دیگر موضوع تفکیک‌پذیریِ سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی زبان که تا پیش از آن مطرح بود منتفی شد؛ و نیز توجه به پیوند عملکرد نورون‌های آیینه‌ای و شبیه‌سازی ذهنی[[13]](#footnote-13) موجب شد معنا‌شناسی به عنوان کانون زبان‌شناسی قلمداد شود. به قول لیکاف (به نقل از نیلی‌پور 1394 : 34) اگر با رویکرد عصب‌شناختی این پرسش مطرح شود که معنا چیست، پاسخ این خواهد بود که معنا نوعی شبیه‌سازیِ ذهنی است؛ یعنی فعال‌سازی تصویرهای ذهنی‌ای که قبلاً تجربه شده‌اند. پس از شنیدن جملة «او دارد یک لیوان آب می‌خورد» در صورتی می‌توانید معنای آن را دریابید که بتوانید تصویر ذهنی عمل «آب خوردن» و شیء «لیوان» را بازآفرینی کنید. در غیر این صورت نمی‌توانید معنای آن را بفهمید. فلدمن (2006) از نتایج این نوع بررسی‌ها نتیجه گرفت که هنگام درک معنای جمله، آنچه در مغز اتفاق می‌افتد عبارت است از نوعی شبیه‌سازی ذهنی. به بیان دیگر همان نورون‌هایی که در نخستین تجربة فیزیکی فعال می‌شوند در هنگام شبیه‌سازی ذهنی نیز فعال می‌گردند.

پس از دهه 1990 در علم شناخت، استعاره‌ها به‌مثابة شبکه‌های نورونی، ماهیتی کاملاً پذیرفته یافتند. نورون‌های آیینه‌ای دسته‌ای از فیبرهای عصبی‌اند که کورتکس پیش‌حرکتی[[14]](#footnote-14) را به کورتکس پریتال[[15]](#footnote-15) که مسئول تلفیق ادراک‌ها است مربوط می‌کنند. وقتی ما عملی را انجام می‌دهیم یا فردی را می‌بینیم که همان عمل را انجام می‌دهد، نورون‌های آیینه‌ای یکسانی درگیر می‌شوند. نورون‌های آیینه‌ای ماهیت چندوجهی[[16]](#footnote-16) دارند؛ به بیان ساده‌تر، نه‌تنها موقع عمل و ادراک عمل، فعال می‌شوند بلکه هنگام تصور یک عمل نیز درگیر می‌شوند. با کشف نورون‌های آیینه‌ای این نتیجة کلی حاصل شد که شبیه‌سازی ذهنی، مبنایی بدن‌مند دارد زیرا همان نورون‌هایی را به‌کار می‌گیرد که برای انجام اعمال، ادراک و عواطف به‌کار گرفته می‌شوند.

پرسش مهم در قالب نظریة عصب‌شناختی زبان دربارة استعاره‌های مفهومی این است که: رابطة یک‌سویه از مفاهیم حوزة مبدأ[[17]](#footnote-17) به حوزة مقصد[[18]](#footnote-18) به لحاظ عصب‌شناختی چگونه تبیین می‌گردد؟ نتایج پژوهش جانسون[[19]](#footnote-19) (1999) و نیز پژوهش نارایانان[[20]](#footnote-20) (1997) در کنار هم فرضیة زیر را در پاسخ به پرسش بالا فراهم آورد:

هرگاه حوزه‌های مبدأ و مقصد به‌طور همزمان فعال شوند، مناطق مغزی مربوط به حوزه‌های مبدأ و مقصد فعال خواهند شد. به این ترتیب یک مدار عصبی بین دو حوزه به وجود می‌آید که همان استعاره است. گرادی[[21]](#footnote-21) (1997) چنین استعاره‌هایی را استعاره‌های اولیه[[22]](#footnote-22) نامید و این‌گونه مطرح کرد که این استعاره‌ها در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به کار می‌روند و فهمیده می‌شوند، زیرا مبنای شکل‌گیریِ آن‌ها بدن انسان است که در کودکی تجربیات نسبتاً همانندی دارد. زندگی روزمره، تجربه و تحریک مغزی لازم را برای ایجاد نظامی از استعاره‌های اولیه برای انسان‌ها با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به‌وجود می‌آورد که ماهیتی آگاهانه و عامدانه ندارند.

### 1-3 مفروضات اصلیِ نظریة استعاره

در فصل‌های بعدی به ابعاد مختلف نظریة استعاره مفهومی در قالب نمونه‌های متعددی از زبان فارسی خواهیم پرداخت. در اینجا به منظور آماده ساختن زمینة ورود به مباحث تخصصی دربارة استعاره، مفروضات اصلیِ نظریة استعاره را بر اساس اندیشه‌های لیکاف و جانسون (1980) و لیکاف (2009) ارائه می‌دهیم:

الف) استعاره‌ها نگاشت[[23]](#footnote-23)‌هایی مفهومی هستند و جزئی از نظام مفهومی ذهن محسوب می‌شوند؛ استعاره‌ها صرفاً زبانی نیستند، بلکه در فرهنگ و آداب و رسوم نیز بازنمود پیدا می‌کنند. به یک نمونه از آیین عزاداری در ایران توجه کنید که یکی از استعاره‌های ذهنی را به نمایش می‌گذارد: وقتی جوان ازدواج نکرده‌ای از دنیا می‌رود برای او حجله می‌گذارند. این شیءِ آیینی به حوزة مبدأیی تبدیل می‌شود که بر اساس آن استعارة ذهنیِ [ازدواج به حجله رفتن است] به ذهن متبادر می‌شود.

ب) نظامی وسیع از نگاشت‌های استعاری ثابت و قراردادی وجود دارد.

پ) نظام استعاری، مبنایی بدن‌مند دارد و از عملکرد مغز نشأت می‌گیرد.

ت) منشأ برخی استعاره‌ها در تجربة بدن با محیط پیرامون قرار دارد. برای نمونه نام‌نگاشت[[24]](#footnote-24) [بیشتر بالا است] بر رابطة اندازه و مقدار و افزایش ارتفاع مبتنی است. لیکاف (2009) به این نمونه اشاره می‌کند: مواجهه با این تجربة روزمره که هرچه مقدار آبِ درون یک لیوان بیشتر شود ارتفاع آب درون لیوان بالاتر می‌آید به‌طور ناخودآگاه به تعمیمی دربارة رابطة مقدار و ارتفاع منتهی می‌شود.

ث) نگاشت‌های استعاری بین حوزه‌های مفهومی روی می‌دهند. برای نمونه در نام‌نگاشت [عشق گرما است] دو حوزة مفهومی عواطف و دما به هم مربوط شده‌اند.

ج) نگاشت‌ها ممکن است تعمیمی از یک تجربة خاص به حوزه‌های شناختی کلی‌تر باشند. برای نمونه، نام‌نگاشت خاص [رقابت مسابقه اسب‌سواری است] می‌تواند مبنای یک تعمیم استعاری واقع شود که براساس آن مفهوم انتزاعی رقابت برمبنای مفهوم کلی مسابقه دادن دریافت می‌شود و به این ترتیب سایر مفاهیم این حوزة مفهومی مانند باختن، بردن، پیشی گرفتن، جا ماندن و جز آن نیز در استعاره‌های «رقابت» شرکت می‌کنند.

چ) عبارت‌های زبانی متفاوتی برای بیان جنبه‌های مختلفی از یک استعارة ذهنی به‌کار می‌روند. مثلاً عبارت‌های «صید عشق»، «عاشق در دام افتاده» و «تیر عشق» همه بازنمود استعارة [عشق شکار است] هستند.

ح) گاهی برای یک واژه، استعارة مفهومی‌ای به کار گرفته می‌شود؛ درحالی‌که آن واژه در عبارت مورد نظر به کار گرفته نشده است. برای نمونه عبارت استعاری «حسابی جوش آورده بود» مفهوم‌سازی در حوزة خشم را می‌نمایاند، ولی واژة خشم یا سایر واژه‌های هم‌حوزة آن در این عبارت استعاری به‌کار نرفته است.

خ) بسیاری از استعاره‌های مفهومی در ناخودآگاه شناختیِ ما ریشه دارند و به طور خودکار فراگرفته می‌شوند و به‌کار می‌روند.

د) انسان‌ها استعاره‌های مفهومی را همان واقعیت فرض می‌کنند و براساس آن واقعیت استعاری زندگی می‌کنند.

ذ) مفاهیم و مفروضات حوزة مقصد در نتیجه فرایند استعاره شکل می‌گیرند.

ر) تعمیم الگوهای استنباطی و تعمیم واحدهای واژگانی، داده‌های اصلی برای شکل‌دهی به استعاره‌های مفهومی هستند.

1. . A. Barcelona [↑](#footnote-ref-1)
2. . D. Geeraerts [↑](#footnote-ref-2)
3. . G. Lakoff [↑](#footnote-ref-3)
4. . M. Johnson [↑](#footnote-ref-4)
5. . Z. Kövecses [↑](#footnote-ref-5)
6. . D.Panther [↑](#footnote-ref-6)
7. . H. Cuyckens [↑](#footnote-ref-7)
8. . mirror neurons [↑](#footnote-ref-8)
9. . *Metaphors We Live By* [↑](#footnote-ref-9)
10. . J. Feldman [↑](#footnote-ref-10)
11. . Neural Theory of Language [↑](#footnote-ref-11)
12. . simulation semantics [↑](#footnote-ref-12)
13. . mental simulation [↑](#footnote-ref-13)
14. . premotor cortex [↑](#footnote-ref-14)
15. . parietal cortex [↑](#footnote-ref-15)
16. . multi modal [↑](#footnote-ref-16)
17. . source domain [↑](#footnote-ref-17)
18. . target domain [↑](#footnote-ref-18)
19. . Ch. Johnson [↑](#footnote-ref-19)
20. . S. Narayanan [↑](#footnote-ref-20)
21. . J. Grady [↑](#footnote-ref-21)
22. . primary metaphor [↑](#footnote-ref-22)
23. . mapping [↑](#footnote-ref-23)
24. . name of the mapping [↑](#footnote-ref-24)